

ابتکار جدید استراو و همگنان برای حفظ توازن منطقه ای

بقیه از صفحه ۵
این یک اعلان جنگ آشکار علیه حق مردم ایران برای ابزار مادی و معنوی مخالفت خود با حکومتی که بر کشور آنان فرمان می راند نیز هست. وعده ی سرکوب سازمان مجاهدین، ترسیم یک صف بندی نامربوط است که در یک سوی آن نظام جمهوری اسلامی و پشتیبانان بالفعل آن در لندن و پاریس و برلین سنگر گرفته اند و در سمت دیگر، اکنون مجاهدین خلق و فردا هر جریان اپوزوسیون دیگر که ملاها آن را برای خود تهدید بیانگاردند یا مزاحم بدانند، قرار گرفته است. براساس این متد، جنبشهای اجتماعی اقصا مختلف مردم ایران، مطالبات دموکراتیک، حرکتی اعتراضی گسترده ی صنفی و سیاسی، همه و همه مشمول توجه ویژه اروپا به حقوق حاکمان جمهوری اسلامی و پیامدهای آن خواهند گردید. گاف جدید سه تفنگدار، نشان می دهد که برخلاف پافشاری آنان برای محدود جلوه دادن بحران هسته ای جمهوری اسلامی به یک مساله فنی و بوروکراتیک که از طریق نظارت حرفه ای آژانس و بده و بستان آب سبک در برابر آب سنگین کنترل پذیر است، این موضوع تا بُن دندان سیاسی است و بخش مهمی از استراتژی رژیم ملاها را برای ثبات بخشی به خود تشکیل می دهد. این فاکتوری است که شرکای اروپایی ملاها به خوبی از آن آگاهند و خطوط معامله اخیر را در راستای آن و براساس اصل راهبردی ای که ناظر بر حفظ توازن موجود در منطقه و جلوگیری از سنگین تر شدن آن به سمت ایالات متحده می باشد، امتداد داده اند.

"انتخابات" در افغانستان برای انتخابات در آمریکا

بقیه از صفحه ۸
دلار کمکهای آمریکا به افغانستان، یعنی در مجمع ۱۲۰ هزار دلار، شامل حال سازمانهای زنان گشته است. در سال ۲۰۰۳، این مقدار به میزان ۹۰ هزار دلار کاهش یافت. بنابه گزارش سازمان عفو بین الملل، خشونت علیه زنان از زمان سقوط طالبان رو به افزایش گذاشته و دزدیدن زنان و وادار کردن آنان به ازدواج ناخواسته بیش از پیش رواج یافته است.
سطح آزادی زنان را در سخنان آقای کرزای نیز می توان سراغ گرفت. او از مردان خواست به همسران و خواهرانشان اجازه دهند که برای شرکت در انتخابات نام نویسی کنند. و ادامه داد: "بعدا شما می توانید این که آنها به چه کسی رای می دهند را کنترل کنید، فعلا بگذارید بروند."

انتخابات به سود چه کسی؟

اهداف کوتاه مدت جورج دبلیو بوش، بدست آوردن چند برگ برنده برای پیروزی در انتخابات ماه اکتبر در آمریکا می باشد. این برگهای برنده شامل اثبات ادعای خود مبنی بر "صدور دموکراسی به کشورهای خاورمیانه"، تسلط بر عراق، چیرگی بر بحران هسته ای که شامل اتحاد با اروپا برای فشار بر جمهوری اسلامی و ارجاع پرونده اتمی آن به شورای امنیت سازمان ملل، کنار آمدن با پیونگ یانگ و سرانجام نمایی از غلبه دولتش بر تروریسم می شود.
پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و تغییر توازن قوا به نفع ایالات متحده آمریکا، مانعی جدی در برابر این کشور که خواستار برقراری امپراتوری و یکه تازی در جهان بود، بر جای نماند. اما تمایل قدرتهای بزرگ دیگر جهان به چپاول کشورهای ضعیف، یکه تازیهای اخیر آمریکا که توسط دولت بوش به پیش رانده می شود را تا حدی به چالش کشید. دولت بوش که به برتری اقتصادی، سیاسی و نظامی خود متکی بود، دست به تهاجم به افغانستان و عراق زد و این کشورها را به بهانه مبارزه با تروریسم اشغال کرد. سازمان ملل و اتحادیه اروپا نتوانستند بر این تهاجمات مهار بزنند.

آنچه که در افغانستان پس از فاجعه یازده سپتامبر رخ داد، زمینه ای ایجاد کرد که دولت بوش با کشورهای اروپایی بر سر مساله مبارزه با تروریسم بین المللی و مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر هم پیمان گردد و در استقرار حکومتی که نیروهای سیاسی گوناگونی را در بر بگیرد، با آنها همکاری و تصمیم گیری مشترک داشته باشند. اما مدتی زیادی طول نکشید که آمریکا این تصمیم گیریها را زیر پا نهاده و با ایجاد دولت موقت و قانون اساسی و قرار دادن فردی که از واشنگتن دستور می گیرد در راس دولت، کار

بال کوفتن و پرریختن

برکناری وزیر راه، چشم انداز چگونگی حضور سیاسی "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی را تیره تر از هر زمان دیگر در برابر آنها به تماشا گذاشته است. شلاق کش کردن وزرای کابینه حجت الاسلام خاتمی، بیش از آنکه تنها در خدمت حل و فصل یک نزاع در جریان، همچون مساله ی کنترل فرودگاه جدید باشد، رو به برش حساس جابجایی در ریاست قوه مجریه دارد. تعیین تکلیف سربازان پیاده در وزارتخانه ها، به برخی پرسشها در جنگ آبی بین شاه مهره های دو طرف پاسخ می دهد.

آقای محمدرضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت اسلامی، با نگاه به نخستین مهره ی از میدان بدر شده، اطمینان می دهد که رقبا در پی "ایجاد حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی" هستند. آقای محسن آرمن، متحد او و سخنگوی باند مجاهدین انقلاب اسلامی، مایل نیست تا این اندازه پیش برود، اما او نیز دست به شکایت می برد که باند ولایت به سمت "فلج کردن دولت و در اختیار گرفتن آن پیش از تصاحب قوه مجریه" حرکت می کند.

با این وجود، آقای رامین با گمانه مضحک تصاحب دولت پیش از تصاحب دولت، به هیچ عنوان در گنج سری خود را مدیون آقای خاتمی و معرفی باند متوسلین به "عمود خیمه نظام" به عنوان نماد جمهوریت رژیم ولایت فقیه، نمی سازد. و این درحالی است که باند ولایت با حرکت در جهت به انجام رساندن تدابیر خود که بیش از همه از انفعال و بی بُته گی "نظام" خواهانه ی رقیب نیروی محرک اش را کسب می کند، به ریش مکتبی هردوی این تحلیلگران پوزخند می زند. حجت الاسلام فاکر، رییس کمیسیون اصل نود مجلس ملاها، پس از ضرب شست استیضاح، مزاح می فرماید: "با توجه به قرار گرفتن خرم در جایگاه مشاور رییس جمهور، باید کمی هوای ایشان را داشت."

صدقه از سر بزرگواری، این تنها چیزی است که آقایان خاتمی، رامین و شرکا پس از فرونشستن گردوخاکی که به پا می دارند، دریافت می کنند. درگذشته جز این نبوده و از این پس هم به گونه دیگری نخواهد بود.

را فیصله داد. این کار بدون به بازی گرفتن اروپاییها صورت گرفت و درعمل، نقش اروپا در سیاستگذارها نادیده گرفته شد. این با وجود همکاری اروپاییها در زمینه اعزام نیروهای نظامی انجام گرفت.

به دلیل سلب تدریجی قدرت تصمیم گیری سیاسی سازمان ملل و اروپا در افغانستان توسط آمریکا، به هنگام انتخاب اخیر نیز همکاری وسیعی از آنها مشاهده نشد. از جمله دلایل عنوان شده از سوی اروپا و نهاد مزبور، ناامنی و وضعیت رو به وخامت کنونی، محدودیت آزادی بیان، عدم امکان حضور در برخی مناطق و دخالت بیش از حد که مانع جلب اعتماد مردم می گردد، بود.

در واقع اینکه آمریکا میدان مانوری در این انتخابات به اروپا و سازمان ملل نداده بود، سبب گشت که اتحادیه اروپایی اعلام کند که تنها هیات کوچکی از کارشناسان انتخابی را به افغانستان می فرستند و درباره روند انتخابات نیز اظهار نظری نخواهد کرد. بدین طریق، اتحادیه اروپایی به طور علنی به دخالت و سلطه جویی آمریکا اعتراض کرد. در حالیکه آمریکا نیز مایل به همکاری و دخالت هیچ نهادی نبود و قصد داشت با تقلب و رای سازی، دست نشانده خود را به مردم افغانستان تحمیل کرده تا بتواند استراتژی خود را بدون وجود مزاحم پیش ببرد.

دخالت نظامی ایالات متحده در افغانستان، آغازی از گسترش حضور بی سابقه غرب در منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه بود که مردم این مناطق را در شرایطی غیرقابل پیش بینی قرار داد. برای مردم افغانستان این اولین باری نیست که کشورشان مورد تهاجم و اشغال یک کشور خارجی قرار می گیرد. مردم افغانستان، سابقه ای طولانی در مقاومت علیه اشغالگران دارند و گذشته از این، هیچ اشغالگری نمی تواند با زور، خواست، آرزو و امید مردم را از آنان بگیرد. برخی از منابع اطلاعاتی این نوشتار

Human Rights Watch

<http://www.hrw.org/>

science-fair-projects

<http://www.all-science-fair-projects.com/>

Common Dreams News Center

<http://www.commondreams.org/>

BBC Radio news

<http://www.bbc.co.uk/persian/>

WSWS

<http://www.wsws.org/>